

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره هشتم ، شماره بیست و هفتم ، بهار ۱۳۹۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۰۳/۱۸

صفحات: ۷۵ - ۴۹

تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی و ورود مهاجران بر سرمایه اجتماعی شهروندان

سید محمدشاه چراغ^۱، پروین سوادیان^{۲*}

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط مهاجرت بر سرمایه اجتماعی شهروندان سمنانی با مروری بر رویکردهای نظری مربوطه در نظر دارد به تأثیر ورود مهاجران بر سرمایه اجتماعی بپردازد. ضمن اینکه این روند بر اساس سال‌های اقامت شهروندان نیز مورد محاسبه قرار گرفته است. با توجه به پژوهش‌های پیشین و بحث وجدل‌هایی که پیرامون تأثیر مهاجران بر مناطق مهاجرپذیر وجود داشته، این متغیر به‌عنوان متغیر تأثیرگذار بر روند حرکت اجتماع و تعیین شاخص‌های اجتماعی جوامع انتخاب شده است. روش پژوهش حاضر پیمایشی و جامعه آماری شهروندان شهر سمنان می‌باشد که تعداد ۱۵۰ نفر از آن‌ها به‌صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای برای تکمیل پرسشنامه‌ها انتخاب شده‌اند. نتایج به‌دست آمده با استفاده از آزمون‌های پارامتری و ناپارامتری مختلف حاکی از رابطه مستقیم بین مهاجرت و سرمایه اجتماعی است. همچنین مشخص شد سال‌های اقامت شهروندان نیز با متغیر سرمایه اجتماعی رابطه‌ای مستقیم و قوی دارد و هرچه افراد بیشتر در شهر می‌زیان سکونت داشته باشند، سرمایه اجتماعی بالاتری به‌دست خواهند آورد. در پایان نیز پیشنهادهایی در راستای افزایش سرمایه اجتماعی شهروندان به‌ویژه مهاجران ارائه شده است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، سرمایه اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سمنان

^۱ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

^۲ - دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

مقدمه و بیان مسئله

زندگی آدمیان در جامعه بر نظم و قواعد خاصی استوار است. مردم ایفاگر نقش‌هایی هستند که جامعه از آن‌ها انتظار دارد. ما ساکنان شهرهای بزرگ هر روز شاهد رفت‌وآمد گروه عظیمی از مردم در خیابان‌ها هستیم که به سرعت از کنار هم می‌گذرند و هر یک به سویی می‌روند و پس از مدتی هر یک در جایی مشخص از شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. از این طریق نظم اجتماعی حفظ می‌شود و جامعه تداوم می‌یابد (سختاوت، ۱۳۷۴: ۲).

اساس نظم اجتماعی در این است که مردم بدانند دیگران از آن‌ها چه انتظاری دارند و بتوانند رفتار دیگران را در اغلب موارد پیش‌بینی کنند (بخارایی، ۱۳۹۳: ۴۰). از سوی دیگر بی‌نظمی و نابهنجاری در جامعه زمانی پدید می‌آید که افراد به وظایف خود عمل نکنند و یا نسبت به وظایف خود آگاه نباشند. همبستگی اجتماعی بالا بین افراد یک جامعه و درک متقابل آن‌ها تأثیر زیادی بر اجرای مناسب نقش‌ها و انجام وظایف دارد و کاهش این همبستگی و بی‌سازمانی اجتماعی عاملی مؤثر بر قانون‌شکنی است.

اعضای تمام جوامع از نوع و میزانی از همبستگی برخوردارند. در جوامع جدید باورها، عقاید و ارزش‌های مشترک و همگانی سبب می‌شود، چیزی معادل «وجدان جمعی» حاکم بر جوامع کهن در آن‌ها به وجود آید. این سپر ارزشی و اعتقادی باعث می‌شود که احساس یگانگی و وابستگی افراد در جامعه افزایش یابد. این احساس خود موجب مشارکت بیشتر مردم شده و به آن‌ها می‌آموزد که جامعه، شهر و محیط شهری از آن خود آن‌هاست و مشارکت در امور مختلف و رعایت قواعد موجود سعادت و رفاه بیشتری را برای خود و دیگران به دنبال دارد.

احساس نفع مشترک و همبستگی اجتماعی و به تبع آن احساس تعلق به محیط در جوامع کنونی به هیچ وجه عمومیت ندارد و چنانچه نزد کسانی نیز یافت شود، بسیار ضعیف است (رجبی، ۱۳۸۹: ۲۹). برای این امر علل - فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - متعددی را می توان برشمرد که مهاجرت و تحرکات جغرافیایی و تحول در نوع و میزان جمعیت از جمله این عوامل است.

از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی موجب شده تا نهادهای دموکراتیک حکومتی بهتر وظایف خود را انجام دهند و از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی، نظم اجتماعی را به طریق مؤثر و کارآمد حفظ می کند و تداوم می بخشد. کلمن اعتماد و تعهد را لازمه سرمایه اجتماعی یک گروه می داند. گروهی از افراد که واقعاً به یکدیگر اعتماد دارند در قیاس با گروهی که فاقد چنین اعتمادی بین خود هستند از نظم و انسجام بیشتری با یکدیگر برخوردار هستند (همان: ۳۶۹).

مهاجرت یکی از موانع «ریشه گرفتگی» در محیط های شهری می شود. ریشه گرفتگی در یک جامعه، نقش و قدرت قابل ملاحظه ای در ثبات و نقش آفرینی گروه های اجتماعی دارد. گروه های ثابت تر به علت روابط اجتماعی قوی و میزان بالای همبستگی و سرمایه اجتماعی به سهولت می توانند با حرکت گروه همراه شوند و با اجرای کامل نقش ها و وظایف خود در زندگی عمومی شهر مشارکت نمایند.

در همین راستا اجرای برنامه های عمومی، فعالیت نهادهای عام المنفعه و خیریه، تبعیت از قوانین و اجرای کامل قواعد جمعی به صورت داوطلبانه در شهرهایی که بافت جمعیتی ثابت و سنتی خود را حفظ کرده اند به مراتب بهتر از شهرهای مهاجرپذیر شکل می گیرد. نمونه بارز این ادعا مناطق مسکونی حومه کلان شهرهاست که با سر ریز جمعیت به این شهرها، این جوامع را در صدر رتبه بندی میزان وقوع جرائم، آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی که نقض صریح قوانین است، قرار داده است.

سمنان یکی از وسیع ترین شهرهای کشور است که حدود ۱/۱۴ درصد مساحت کشور را به خود اختصاص داده است. نزدیکی این شهرستان به پایتخت و همچنین قرار گرفتن آن

در مسیر جاده‌های بین‌المللی تهران-مشهد و شمال به جنوب، آن را به مرکز تجمع صنایع، کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها مبدل ساخته است.

سمنان جزء مهاجرپذیرترین شهرستان‌های کشور به ویژه در دو دهه گذشته بوده است. تعداد زیاد مهاجران جویای کار از استان‌های مجاور و کسب رتبه نخست کشور از نظر تعداد دانشجو به نسبت صد هزار نفر جمعیت مصداق‌های این مدعاست. تا حدود بیست سال پیش جمعیت محدود و اغلب بومی منطقه ساکن این شهرستان بودند که با آغاز فعالیت شهرک بزرگ صنعتی در شرق این شهرستان و تأسیس دانشگاه‌های متعدد، مهاجران زیادی به‌ویژه از استان‌های شمالی کشور به این شهرستان نقل مکان کردند. بر اثر تراکم جمعیت در سالیان متمادی جمعیت غیربومی سمنان به نحو شگفت‌آوری افزایش یافت.

مهاجران بنا بر دلایل مختلفی سمنان را برای زندگی انتخاب کردند که می‌توان به یافتن شغل، ادامه تحصیل، کسب درآمد بیشتر، استفاده از امکانات درمانی و پزشکی مناسب و ... اشاره کرد. به‌عنوان مثال در مورد مهاجرت با انگیزه کسب علم می‌توان به ده‌ها هزار دانشجو که از شهرها و روستاهای مختلف کشور و با فرهنگ متفاوت وارد دانشگاه‌های سمنان شده‌اند، اشاره کرد. به‌طوری‌که در ازای هر شش نفر ساکن در سمنان یک نفر دانشجو در این شهر سکونت دارد.

طبق بررسی‌های انجام‌شده جمعیت استان سمنان از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ از ۵۸۹۷۴۲ هزار نفر به ۶۳۱۲۱۸ نفر رسیده است. (و با توجه به رشد ۱/۷ درصدی جمعیت کشور می‌توان برآورد کرد این رقم در سال ۱۳۹۵ به ۶۸۰ هزار نفر افزایش یابد). به نظر می‌رسد تغییرات جمعیتی شدیدی که بخش اعظم آن ناشی از ورود مهاجران به سمنان است، علیرغم آنکه توسعه شهری و صنعتی به‌ویژه در دهه گذشته برای این منطقه به همراه داشته است؛ سازمان، همبستگی و سرمایه اجتماعی مردم این شهر را به‌شدت تضعیف نموده است (معاونت برنامه‌ریزی استانداری سمنان؛ ۱۳۹۲).

لذا با توجه به شرایط فوق، مدیریت اجتماعی و فرهنگی و کنترل آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در چنین جامعه‌ای که دیگر همچون سال‌های گذشته دارای جمعیتی همگون و

متجانس نیست، اهمیت و حساسیت ویژه‌ای دارد؛ اهمیت و حساسیتی که در پرتو انجام مطالعات علمی کاربردی می‌توان برای آن راهکاری مناسب یافت.

پیشینه پژوهش

غفاری در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم» به بحث از آنومی و جرم می‌پردازد. به نظر او سرمایه اجتماعی می‌تواند نسبت به سازمان‌ها در ذهن افراد نگرش مثبتی ایجاد کند، به‌ویژه به این دلیل که عملکرد سازمان‌های نظارتی و سایر نهادها در جایی که شبکه‌ها قوی است و سطوح همبستگی هنجاری بالاست، مؤثرتر است (غفاری، ۱۳۸۷).

سیسمون و گروز (۲۰۰۰) در مطالعات خود نشان دادند که رابطه‌ای قوی بین جنبه‌های مختلف بی‌سازمانی اجتماعی و عدم ثبات و انسجام اجتماعی وجود دارد. اغلب این مطالعات بر عوامل کلان در سطح اجتماع و رابطه‌شان با میزان جرم و کجروی متمرکز شده است. یافته‌های استارک (۱۹۸۷) نشان می‌دهد، ویژگی‌های ساختاری نظیر بی‌ثباتی زیاد، عدم نظم و انسجام اجتماعی، همگی منجر به میزان بالای کجروی و جرم خواهد شد.

مبانی نظری پژوهش

پیروان نظریه وابستگی اعتقاد دارند، مهاجرت معلول توسعه نابرابر است. از نظر معتقدان به این رویکرد، مهاجرت نه تنها شکل‌دهنده وابستگی کشورهای جهان سوم است، بلکه خود

باعث تقویت وابستگی این کشورها نیز می‌شود. مهاجرت از طرفی عامل تقویت توسعه‌نیافتگی منطقه مهاجرفرست است و از طرف دیگر عامل ایجاد و تشدید نارضایتی‌های منطقه مهاجرپذیر خواهد شد. زیرا با خروج مهاجران از منطقه توسعه کاهش می‌یابد و برای آن راه‌حلی نیست، مگر اینکه تغییرات ریشه در ساخت کشورهای جهان سوم و ارتباط آن‌ها با کشورهای توسعه‌یافته اتفاق افتد (لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۱۱۲).

این مدل در دیدگاه تضاد یکی از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی تبیین مسائل اجتماعی نضج گرفت. در دیدگاه تضاد جامعه عرصه تضادها و مبارزات طبقاتی است و متغیرهایی مانند روابط حاکمیت، تقسیم‌کار، توزیع نابرابر امکانات اقتصادی و تغییرات و دگرگونی‌های اساسی (انقلاب‌ها) مورد بحث قرار می‌گیرند. در دیدگاه تضاد تبیین پدیده‌ها و مسائل اجتماعی در مقیاس کلان (نظام‌های سیاسی اجتماعی) است. (همان: ۱۲۱)

تبیین مهاجرت در این دیدگاه به نظرات یا مدل‌های وابستگی شهرت یافته است. از دید نظریه‌پردازان این دیدگاه، مهاجرت (به‌ویژه مهاجرت روستائیان به شهر) در بطن روابط سرمایه‌داری جهانی و توسعه وابسته کشورهای عقب‌مانده باید مورد تحلیل قرار گیرد. این گروه از نظریه‌پردازان بر این اعتقادند که علل مهاجرت را نمی‌توان از اثرات آن جدا نمود، زیرا مهاجرت از یک‌سو، معلول توسعه نابرابر کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای عقب‌مانده بوده و از سوی دیگر عامل گسترش و تعمیق توسعه نابرابر است. بنابراین در تبیین فرایند مهاجرت، لازم است نخست به مسئله عدم توسعه توجه نمود. زیرا در این راستا است که روابط نابرابر ساختی و مکانی بین بخش‌های مختلف جامعه مدنظر قرار می‌گیرد. یکی از ایده‌های مطرح‌شده در این دیدگاه روابط مرکز پیرامون در امر توسعه کشورهای توسعه‌نیافته است که توسط «سمیرا امین» ارائه شده است. کشورهای سرمایه‌داری وضعیت مسلط (مرکز) و کشورهای توسعه‌نیافته وضعیت تحت سلطه (پیرامون) را دارند. این وضعیت در ساختار داخلی کشورها نیز تأثیر گذاشته و سبب به وجود آوردن قطب‌های پیشرفته و توسعه‌نیافته سرمایه‌داری (معمولاً در شهرها) و مناطق توسعه‌نیافته (معمولاً روستاها) گشته است و نوعی عدم تعادل منطقه‌ای را به وجود می‌آورد. این امر، باعث مهاجرت و جابه‌جایی نیروی کار از مناطق روستایی محروم به سوی مناطق شهری پیشرفته می‌گردد. (همان)

«پل سینجر»^۳ یکی دیگر از نظریه‌پردازان این دیدگاه دو مجموعه عوامل مربوط به مبدأ که باعث مهاجرت می‌شوند را از هم متمایز می‌کند. این دو مجموعه عبارت‌اند از:

الف) عوامل رکودی: این عوامل زمانی رخ می‌دهد که جمعیت روستایی به دلیل بهبود نسبی وضع بهداشت و درمان رشدی بیش از تولیدات کشاورزی داشته باشد و لذا نیروی کار اضافی به وجود می‌آید. این نیروی کار به علت نبودن اشتغال در روستاها به سوی شهرها مهاجرت می‌نمایند.

ب) عوامل تغییر دهنده: این عوامل زمانی مؤثرند که روش‌های تولید سرمایه‌داری مدرن در مناطق روستایی نفوذ کرده باشد و باعث تغییر شیوه‌ها و تکنیک‌های تولید گردد. در اینجا هدف، افزایش بهره‌وری کار از طریق صنایع سرمایه‌بر است و بنابراین تعداد شاغلین را کاهش داده، سبب مهاجرت نیروی کار اضافه موجود در روستاها می‌گردد. به‌طور خلاصه در نظریات وابستگی، مهاجرت امری اجباری است که بر اساس عدم توسعه یک محیط (روستا) نسبت به محیط دیگر (شهر) و وابستگی غیر سرمایه‌داری به بخش سرمایه‌داری به وجود می‌آید و یک امر کاملاً استثماری و ادامه آن باعث گسترش هر چه بیشتر توسعه‌نیافتگی می‌گردد (لهسائی زاده، ۱۳۶۸). از مدل فوق برای تبیین مهاجرت‌های شهر به شهر نیز می‌توان استفاده کرد و مهاجرت از شهرهای توسعه‌نیافته به شهرهای توسعه‌یافته‌تر در یک کشور را تبیین کرد.

نظریه سیستمی مهاجرت:

در تلاش برای طرح نگرش جامع به مسئله مهاجرت‌های بین‌المللی، «کرتیز» و همکارانش» به تلفیق و تکمیل دیدگاه‌های مختلف پرداختند و بر پویایی جریان‌های مهاجرتی تأکید کردند. به نظر آن‌ها مهاجرت‌های بین‌المللی که بین سرزمین‌های مبدأ و مقصد مهاجرتی جریان می‌یابد، به‌طور تنگاتنگی با سایر حلقه‌هایی که درهم‌تنیده شده سیستمی را به وجود آورده و

مهاجرت را شکل می‌دهد و به جریانی پویا و بالنده تبدیل می‌کنند. از نظر آنان ارتباط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نه به شکلی تنها و جدا از هم بر مهاجرت تأثیر می‌گذارند، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای تفکیک‌ناپذیر بستر لازم را برای مبادلات مهاجرتی فراهم کرده، آنان را تداوم می‌بخشد. کاربرد این گونه مدل‌ها به‌طور مشخص در آثار «مابوگونج»^۹ آغاز گردید. وی بر این اعتقاد بود که به‌وسیله نظریه عام سیستمی بهتر می‌توان مهاجرت‌های روستا-شهری را تبیین نمود. در این مدل هم مهاجران و هم نهادها که در کنش متقابل هستند در قالب یک چارچوب کلی نگریسته شده و بدین ترتیب مجموعه اجزا در حال کنش متقابل با یکدیگر با ویژگی‌ها و روابط در ساختاری منسجم لحاظ می‌شوند. (زنجان، ۱۳۸۰: ۱۸۵)

متغیرهای اصلی این سیستم، عبارتند از:

خرده سیستم اجتماعی شدن:

این متغیر به عوامل تأثیرگذار بر جامعه‌پذیری فرد مهاجر نظر دارد. میزان توسعه‌یافتگی مکان مبدأ مهاجر، ابعاد خانوار، میزان تحصیلات والدین مهاجر، میزان وابستگی مهاجر به محل تولد و نیز میزان احساس غربت به آن.

خرده سیستم نهادی:

این متغیرها نهادهایی که شخص با آن‌ها به‌نوعی در چالش است مورد توجه قرار می‌دهد. سطح آگاهی و اطلاعات عمومی و نیز میزان تحصیلات شخص مهاجر، سطح آگاهی و شناخت شخص مهاجر در مورد مناطق مبدأ و مقصد، وضعیت سازمان‌ها و اتحادیه‌های صنفی موجود در مبدأ و مقصد و نوع ارتباط با آن‌ها، صلاحیت و شایستگی مهاجر برای اولین استخدام در منطقه مقصد و بالاخره وضعیت تأهل مهاجر.

خرده سیستم مصرفی:

شامل به دست آوردن کالای مصرفی بادوام (خودرو، تلویزیون و...) ساختن واحد مسکونی در مبدأ و بالاخره استخدام همسر در مقصد.

متغیرهای تنظیمی:

این متغیرها مواردی را در نظر می‌گیرند نظیر وضعیت منطقه سکونت در مقصد، انگیزه مراجعت به مبدأ، مدت اقامت در مقصد و متغیرهای جمعیتی مانند جنس و سن. این مدل (سیستم) سپس به وسیله «ریچموند» برای بررسی مهاجرت‌های بین‌المللی نیز مورد استفاده قرار گرفت. (پیشین)

به عقیده «دورکیم» تغییرات شتابان اقتصادی و اجتماعی از علل اساسی پیدایی آنومی در جوامع معاصر به ویژه کشورهای در حال توسعه است. جوامع جهان سوم نظیر ایران، عموماً در شرایط آنومیک به صورت حاد یا مزمن به سر می‌برند. این موقعیت آنومیک غالباً در فرآیند گذار از جامعه پیش مدرن (سنتی) به مدرن و در نتیجه جریان‌های نوسازی (مدرنیزاسیون) پدید می‌آید. از نظر دورکیم سستی هنجارهای اجتماعی پیشین و بی‌اعتبار شدن سنت‌ها و پیوندهای گروهی معمول به واسطه پیشرفت و توسعه اجتماعی، علت اصلی شرایط بی‌هنجاری و آنومیک است. با این حال وی معتقد بود که هیچ جامعه‌ای به وضعیت بی‌هنجاری کامل نمی‌رسد، اما در برخی شرایط میزان بی‌هنجاری در روابط اجتماعی و بخش‌های خاصی از جامعه اوج می‌گیرد. به زعم وی، زمانی که قواعد اجتماعی در جوامع پیچیده‌ای که با کاهش همبستگی و وفاق روبروست، کمتر الزام‌آور می‌شود و مردم احساس می‌کنند که از فشار هنجارهای اجتماعی کاسته شده است، آنگاه افزایش انحرافات همچون جرم و قانون‌گریزی اجتناب‌ناپذیر می‌شوند. دورکیم این وضعیت جامعه را آنومی یا بی‌هنجاری می‌نامد.

بر اساس نظریه «هیرشی و سمپسون» سرمایه اجتماعی دوستی‌های محلی، دلبستگی افراد به اجتماع و مشارکت در فعالیت‌های محلی را افزایش می‌دهد و کنترل اجتماعی غیررسمی به وجود می‌آورد و کنترل اجتماعی و پیوندهای اجتماعی، از عناصر کلیدی سرمایه اجتماعی هستند و همچنین از عناصر ذاتی تئوری محدودیت اجتماعی‌اند. مردم به وسیله پیوندشان با جامعه کنترل می‌شوند. در این نظریه به نقش کنترل اجتماعی غیررسمی تأکید می‌شود. هیرشی بر این باور است که رفتارها و کنش‌های انحرافی نتیجه گسستگی یا تضعیف رابطه، پیوستگی

و تقید افراد به جامعه است. هنگامی که پیوستگی و رابطه با دیگر اعضای جامعه قوی است، افراد کنترل خواهند شد و متعاقباً احتمال نقض قوانین و انحراف کم تر می شود.

هیرشی در نظریه پیوند اجتماعی معتقد است؛ افرادی که پیوندی قوی با جامعه دارند از شکستن قواعد و معیارهای آن خودداری می کنند و آنهایی که با هنجارهای جامعه پیوند ضعیفی دارند و یا هیچ پیوندی را با آن ها ندارند برای کج روی مستعدتر و آزادترند. هیرشی عناصری از قبیل «دلبستگی فرد به خانواده و نهادهای اجتماعی، تعهد نسبت به جامعه، مشارکت در نقش ها و فعالیت های اجتماعی و باور و وفاداری فرد به ارزش ها و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی» را پیونددهنده افراد به یکدیگر و جامعه می داند. هراندازه گروه هایی که فرد به آن ها وابسته است ضعیف و ناتوان شوند فرد به آن ها کمتر وابستگی دارد در نتیجه به «خود» وابسته می شود و تنها قواعد رفتاری که بر مبنای منافع شخصی اش استوار است می پذیرد.

پیروان نظریه «بی سازمانی اجتماعی» معتقدند که پدیده هایی نظیر مهاجرت، صنعتی شدن و رشد سریع شهری موجبات زیر پا گذاشتن یا عدم پیروی از الگوهای تثبیت شده و کاملاً سازمان یافته زندگی را فراهم می آورند و این الگوها به طور متقابل به وسیله قواعد رفتاری که از توافق عمومی برخوردارند، هدایت می شوند. قواعد مذکور در مواقعی که تغییر اجتماعی سریع به وجود می آید از هم پاشیده می شوند. از این رو، مردم معیارهایی را که به روابط و رفتارهای آن ها نظم می بخشد، از دست می دهند. به دنبال بی سازمانی اجتماعی حاصل در مناطقی که به وسیله جمعیت های ناپایدار مشخص می شوند، زمینه های مناسبی برای تخطی از قانون به وجود می آید.

روش پژوهش

روش پژوهش بکاررفته در مطالعه حاضر، روش پیمایشی مقطعی توصیفی تحلیلی است و برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه باگویه‌های بسته استفاده شده است.

واحد تحلیل و مشاهده

واحد تحلیل واحدی است که اطلاعات از آن گردآوری می‌شود: واحدی که خصوصیات آن را توصیف می‌کنیم. این واحد در پژوهش حاضر فرد می‌باشد زیرا داده‌ها از تک‌تک افراد گردآوری شده است. واحد مشاهده نیز پاسخگویان سمنانی می‌باشند.

جمعیت آماری، نمونه آماری و نمونه‌گیری

جمعیت آماری شهروندان بالای ۱۸ سال شهر سمنان می‌باشد که بنا بر سرشماری سال ۱۳۹۰ حدود ۱۲۰۱۵۸ نفر گزارش شده است. برای برآورد حجم نمونه در بخش کمی تحقیق از نرم افزار SPSS Sample Power^۷ استفاده گردید. بنابراین حجم نمونه پژوهش در دو مرحله با مدنظر قرار دادن دو نوع تحلیل رگرسیون و تحلیل همبستگی برآورد شده است:

تحلیل همبستگی:

مطلوب‌ترین مقدار درصد خطا ۰/۰۵ و توان ۰/۸۰ و حجم اثر ۰/۲۰ برای روش‌های تحلیلی آماری مبتنی بر همبستگی است. بنابراین با درصد خطای ۰/۰۵ و توان بالاتر از ۰/۸۰ و حجم اثر ۰/۲۰ حجم نمونه تعداد ۱۵۰ نفر برآورد گردید.

نمونه‌گیری نیز به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شده است. بدین ترتیب که پس از تقسیم سمنان به ۵ منطقه (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) و سپس در هر منطقه با تقسیم حجم نمونه بر تعداد مناطق انتخابی، تعداد پرسشنامه‌ای که باید در هر منطقه تکمیل

^۷ این نرم‌افزار با در نظر گرفتن عوامل تاثیرگذار بر حجم نمونه در موقعیت‌های مختلف و متناسب با روش‌های آماری تحلیل داده، حجم بهینه نمونه را برآورد می‌کند.

می‌گردید، مشخص شد . در ادامه تعداد پرسشنامه‌ها به تعداد بلوک‌های واقع در هر منطقه تقسیم و یک خانه در هر بلوک به صورت تصادفی ساده انتخاب و سپس سایر منازل واقع در آن بلوک به روش سامانمند با تعیین عدد فاصله انتخاب و نمونه‌گیری در هر منزل به صورت تصادفی ساده از یکی از افراد بالای ۱۸ سال در آن منزل به انجام رسید.

فرضیه‌های پژوهش

سرمایه اجتماعی ساکنان بومی بیشتر از ساکنان غیربومی است هرچه مدت سکونت مهاجران در شهر بیشتر، سرمایه اجتماعی آنان بیشتر هرچه پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد بالاتر، سرمایه اجتماعی بیشتر

اندازه‌گیری متغیرها

مهاجرت:

از مهاجرت تعاریف گوناگونی صورت گرفته است. دکتر محمد آراسته‌خو، در فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی مهاجرت را چنین تعریف کرده است؛ مهاجرت^۸ به معنای جابجایی محل اقامت آمده است و عمل انتقال از یک نقطه به نقطه دیگر به منظور استقرار، اسکان و اقامت را مهاجرت گویند. به عبارت دیگر تحرک جغرافیایی و مکانی افراد میان دو واحد منطقه جغرافیایی را مهاجرت گویند (جبه‌دار، ۱۳۸۹: ۲۰). مهاجرت در لغت‌نامه جمعیت‌شناسی^۹ سازمان ملل چنین تعریف شده است: شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی

است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد. این تحرک، تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود می‌باشد. این‌گونه مهاجرت‌ها را مهاجرت دائم می‌گویند و باید آن را از اشکال دیگر تحرکات جمعیت که متضمن تغییر دائمی محل اقامت نیست تفکیک کرد (زنجان، ۱۳۸۶: ۸). این تحرک باید به تغییر محل اقامت معمولی فرد از مبدأ یا محل اقامت قبل از مهاجرت وی به مقصد یا محل اقامت جدید بیانجامد. به نظر برخی، مهاجرت نوعی انتخاب است که از طرف مهاجر انجام می‌گیرد. علل و انگیزه‌های این انتخاب هرچه باشد، نتیجه ملموس آن، تغییر محل اقامت معمولی فرد از یک محدوده‌ی جغرافیایی به محدوده‌ی دیگر است. گرچه نمی‌توان مهاجرت را همواره اقدامی انتخابی تلقی کرد و این وضع درباره مهاجرت‌های اضطراری بر اثر عواملی رخ می‌دهد که خارج از خواست و اراده فرد بوده و بر وی تحمیل می‌شود، در اغلب موارد می‌توان مهاجرت را نوعی انتخاب از طرف مهاجر اصلی دانست (زنجان، ۱۳۸۰: ۵).

«پی‌یر لروی»^۱ در کتاب استعمار، مهاجرت را یک اقدام اجتماعی- اقتصادی مطابق با فطرت و نیازهای طبیعی انسان می‌داند و متفکر دیگری «دلوت»^۲ آن را پذیرش موقت یا دائم یک کشور، اقلیم یا یک ناحیه به شمار می‌آورد که مختص به انسان هم نیست (زنجان، ۱۳۸۰: ۶-۵).

«رولان پروسا»^۳ جمعیت‌شناس فرانسوی، مهاجرت را حرکات افراد یا گروه‌ها می‌داند که تغییر دائمی یا طولانی محل اقامت معمولی فرد را به دنبال دارد. به نظر وی در تحلیل حرکات جمعیتی به سه نکته باید توجه کرد: اول دائمی یا طولانی بودن مدت اقامت در محل جدید، دوم وجود فاصله‌ی مکانی بین دو محل و سوم وجود فاصله‌ی زمانی و زمان انجام مهاجرت. وی با تأکید بر دائمی یا طولانی بودن مدت اقامت در محل جدید، تمایزی بین مهاجرت و تحرک مکانی قائل نمی‌شود. توصیف اخیر هر نوع جابجایی اعم از دائمی یا موقت را در بر می‌گیرد. طرح دائمی بودن یا طولانی بودن مدت مهاجرت برای متمایز کردن

Leroy

Bendictdelot

Roland prevesa

آن از جابجایی‌هایی چون مسافرت، کوچ‌روی و حرکات آونگی بین محل کار و محل سکونت است که هیچ‌یک از آن‌ها مهاجرت محسوب نمی‌شوند. به‌طور کلی در تغییر محل اقامت از مبدأ به مقصد باید توجه داشت که برخی از تغییرات محل اقامت موقت و گذرا بوده و منجر به تغییر محل اقامت معمولی فرد نمی‌شود و در نتیجه نمی‌توان مواردی چون دیدارها، بازدیدها، گردشگری‌ها، گذران تعطیلات، مسافرت به‌قصد تجارت و نظایر آن را حتی اگر در مدت طولانی‌تری نیز انجام‌شده باشد، مهاجرت تلقی کرد (همان، ۱۳۸۰: ۶). به‌طور کلی واژه‌ی «مهاجرت» در مفهوم جابجایی و انتقال جمعیت در مکان با تحرک جغرافیایی جمعیت بکار برده می‌شود. در تعریف مهاجرت باید مفهوم «عام» کلمه را از مفهوم «خاص» آن جدا کرد (تقوی، ۱۴۸: ۱۳۸۷). مهاجرت در مفهوم «جمعیت‌شناسی» کلمه با کوچ مداوم انسان در جوامع ابتدائی و کوچ عشایری و همچنین حرکات جغرافیایی کوتاه‌مدت مانند سفر یا مسافرت متمایز است و در مورد جمعیت‌هایی به کار می‌رود که نسبتاً استقرار یافته‌اند از آنجا که در جمعیت‌شناسی انجام مطالعات مربوط به مهاجرت در کل کشور دشواری‌های زیادی دارد، به‌منظور امکان بررسی به کسی که محل اقامت فعلی و محل تولدش یکی نباشد، مهاجر اطلاق می‌شود. در این تعریف، مدت مهاجر بودن را ده سال در نظر می‌گیرند (همان: ۱۴۸).

مهاجرت به آمریکا - شیکاگو:

در ایالت متحده آمریکا مسئله مهاجرت جمعیت‌ها منحصر به برون کوچی بیگانگان به‌صورت هجوم آنان به ایالات متحده و استقرار روستائیان در شهرهای آمریکایی نیست، بلکه شامل شهروندانی نیز می‌شود که با ترک شهرهای بزرگ شرق آمریکا به شهرهای غربی روی آورند. چند تحقیق قبل از بحران بزرگ اقتصادی سال ۱۹۲۹ در این زمینه به‌عمل آمده است که همگی مؤید وجود یک همبستگی نسبی کامل بین مهاجرت و تبه‌کاری بوده است. مثلاً «سولن‌گر» دریافته بود که ۳۸ درصد خانواده‌های جوانان بزهدار کلمبیا در میسوری به‌تازگی در شهرها مستقر شده بودند. در مجموع بقیه خانواده‌های این شهر از تازه واردین نبوده‌اند. در نظر «نومایر» که این دستاوردها را نقل کرده است، استقرار جدید مهاجران در آن شهر، جوانان را در معرض خطر بزهداری قرار داده است (کی نیا، ۱۳۷۰: ۲۶۴).

سرمایه اجتماعی:

سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیم جدید در حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی است که به‌طور گسترده مورد استقبال و توجه پژوهشگران و صاحب‌نظران در رشته‌ها و گرایش‌های مختلف علوم از جمله جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت و ... قرار گرفته است. اما نبود تعریف جامعی از سرمایه اجتماعی که همه ابعاد این مفهوم را در برگیرد، یکی از مهم‌ترین موانع در تعریف این سازه است. با مشخص شدن اهمیت مفهوم سرمایه اجتماعی و کاربرد روزافزون آن توسط رشته‌های مطالعاتی مختلف بر دامنه تعاریف و برداشت‌های حاصل از این مفهوم افزوده شده است. نظریه‌پردازان و متخصصان سرمایه اجتماعی با توجه به جامعه مورد مطالعه و مؤلفه‌های درگیر با آن، تعاریف مختلفی از این مفهوم ارائه کرده‌اند (صالحی، امیری و کاوسی، ۱۳۸۷: ۸۰). پیران و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان «کار پایه مفهومی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران) در بحث از تعاریف سرمایه اجتماعی به سی‌وهفت تعریف بین سال‌های ۱۸۸۵ که توسط مارکس در جلد اول «سرمایه» ارائه شده است تا ۲۰۰۵ که به وسیله موریلینات^۳ مطرح شده است، اشاره می‌کنند. وجه مشترک تمامی این تعاریف سعی در پاسخ به این پرسش بنیادین علوم اجتماعی است که «از چه روی آدمیان گرد هم می‌آیند و علی‌رغم منافع متضاد، در سطحی وسیع‌تر منافع مشترک پیدا می‌کنند و انواع گروه‌بندی جمعی را شکل می‌دهند و برای حفظ آن به جان می‌کوشند؟». در این زمینه نیز آدگر^۴ (۲۰۰۳) معتقد است که نظریات و تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی شرحی است برای اینکه افراد چگونه از ارتباط با دیگران در جامعه سود می‌برند. پس سرمایه اجتماعی ماهیت روابط اجتماعی و پیامدهای حاصل از آن را در جامعه شرح می‌دهد. به‌طوری که سرمایه اجتماعی تمام دارایی مردم نیست، اما بخش عمده‌ای از دارایی آنان می‌باشد (تقوی، ۱۳۹۴: ۲۶).

همان‌گونه که گفته شد تعاریفی که از سرمایه اجتماعی ارائه شده است برحسب جامعه مورد مطالعه، موضوع مورد بررسی، زمان ارائه تعریف و عوامل دیگر متفاوت است. تعدادی از تعاریف این سازه به‌صورت زیر می‌باشد: در نگاه بورديو سرمایه اجتماعی عبارت از

موفقیت‌ها و روابط در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت‌های اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد (بورديو، ۱۹۸۶ به نقل از تقوی، ۱۳۹۴: ۵۲).

کلمن^۵ سرمایه اجتماعی را به‌عنوان منبع مفیدی تعریف می‌کند که از طریق آن اتصالات اجتماعی برای یک کنشگر قابل استفاده می‌شود. در دیدگاه کلمن سازه سرمایه اجتماعی شامل هستی‌های متنوعی است که به گمان وی همگی از بعضی وجوه ساختارهای اجتماعی تشکیل شده‌اند و کنش‌های خاصی از کنشگران را در درون ساختارهای اجتماعی، تسهیل می‌کند (کلمن، ۱۹۸۸ به نقل از بنخارایی، ۱۳۷۶: ۱۸۵).

سرمایه اجتماعی شامل پیوندهای فعال ذخیره‌شده در میان اعضای جامعه همانند اعتماد، فهم متقابل، ارزش‌ها و رفتارهای مشترکی است که عمل همکاری را در بین اعضای شبکه‌ها و اجتماعات انسانی امکان‌پذیر می‌سازد (کوهن و پروساک، ۲۰۰۱ به نقل از تقوی، ۱۳۸۷: ۵۲).

سرمایه اجتماعی دلالت بر حالتی از سازمان اجتماعی همچون مشارکت، هنجارهای تعامل و اعتماد به دیگران دارد که همکاری را برای منفعت متقابل به همراه می‌آورد (مک-گیلیواری^۷ و والکر، ۲۰۰۰ به نقل از تقوی ۱۳۹۴).

سرمایه اجتماعی عبارت است از توانایی‌های افراد برای کار کردن با یکدیگر به‌منظور دستیابی به اهداف مشترک در گروه‌ها و سازمان‌ها (فوکویاما، ۱۹۹۵ به نقل از سروستانی، ۱۳۸۷: ۴۶).

سرمایه اجتماعی دربرگیرنده ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی است که هماهنگی برای مزایای دو جانبه را تسهیل می‌نماید (پاتنام، ۱۹۹۵ به نقل از تقوی، ۱۳۹۴: ۷۵).

تعاریف مذکور تنها تعداد معدودی از تعاریف ارائه شده در زمینه سرمایه اجتماعی است. هدف از ارائه تعاریف فوق، بیان این مطلب است که رسیدن به تعریف واحد از سرمایه اجتماعی که برای جوامع مختلف صادق باشد، امر بعیدی است. به اعتقاد ولکاک^۸ ما باید بحث خود را با یک چهارچوب مفهومی آغاز کنیم که ابعاد گوناگون سرمایه اجتماعی را در خود جای دهد و این نکته را به رسمیت بشناسد که آمیزه‌های گوناگون از ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی ممکن است به طیفی از نتایج، از هرج و مرج، بی قانونی و خشونت گرفته تا همکاری، رونق و شکوفایی بیانجامد. معنای این سخن آن است که ارائه یک نمایه واحد یا تعریف منفرد از سرمایه اجتماعی، به ویژه وقتی آن را در مورد جوامع مختلف به کار می‌بریم، بسیار دردسرافرین و مشکل‌ساز خواهد بود (فاین، ۱۳۸۵ به نقل از تقوی، ۱۳۹۴: ۷۵).

سرمایه اجتماعی، جمع منابع واقعی و بالقوه‌ای است که حاصل شبکه با دوام از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر عضویت در یک گروه است. این شبکه هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق کسب اعتبار می‌سازد. این روابط ممکن است فقط در حالت عملی در مبادلات مادی و یا نمادینی که آنان را در حفظ آن روابط کمک می‌کند، وجود داشته باشد. بدین سان حجم سرمایه اجتماعی یک فرد به اندازه شبکه پیوندهایی بستگی دارد که او می‌تواند به طرزی مؤثر بسیج کند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴۸). سرمایه اجتماعی در این تحقیق با تلفیق ۹ گویه که میزان روابط، اعتبار و مشارکت افراد در محله زندگی‌شان را برآورد می‌کند، سنجیده شد. برخی از گویه‌های بکارگرفته شده برای سنجش سرمایه اجتماعی: «عضو یکی از اجتماعات محل هستم»، «اهالی محل را به خوبی می‌شناسم»، «اگر شرایط لازم را داشتم محله دیگری را برای زندگی انتخاب می‌کردم» و «کمتر با همسایه‌ها در مورد موضوعات مختلف اجتماعی گفت‌وگو می‌کنم».

پایگاه اقتصادی-اجتماعی:

این متغیر در تحقیق حاضر از ترکیب درآمد، شغل و تحصیلات افراد جامعه نمونه بهدست آمد.

روایی و پایایی مقیاس‌ها

اعتبارمقیاس‌های مورد استفاده در پژوهش از طریق اعتبار محتوای ارزیابی شد که صحت و ربط منطقی گویه‌ها با شاخص‌ها از سوی متخصصان این حوزه مورد تأیید قرار گرفت. برای تعیین پایایی مقیاس اندازه‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن پایایی بالای متغیرهای تحقیق را تأیید کرد.

یافته‌ها

سیمای کلی نمونه مورد بررسی نشان می‌دهد ۴۹ درصد از پاسخگویان زن و ۵۱ درصد مرد هستند. ۲۲/۷ درصد از نمونه‌های مورد بررسی در پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین، ۵۸ درصد متوسط و ۱۹/۳ درصد نیز در پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا قرار دارند.

جدول فراوانی مهاجران و بومیان ساکن شهر سمنان (نمونه مورد تحقیق)

شاخص	تعداد	درصد	درصد تجمعی
مهاجران	۶۸	۴۵/۳	۴۵/۳
بومیان	۸۲	۵۴/۷	۱۰۰/۰
جمع	۱۵۰	۱۰۰	

در جدول فوق فراوانی جمعیت نمونه بر اساس شاخص مهاجرت تقسیم‌بندی شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ۴۵/۳ درصد از افراد نمونه مهاجر و ۵۴/۷ درصد نیز از ساکنان بومی شهر هستند.

جدول دو بعدی مهاجرت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی جمعیت نمونه

پایگاه اقتصادی - اجتماعی				
جمع	مهاجرت			
	پایین	متوسط	بالا	
۴۵/۳	۲۹/۴	۴۷/۱	۲۳/۵	مهاجران
۵۴/۷	۱۹/۵	۵۳/۷	۲۵/۸	بومیان
۱۰۰/۰	۲۴/۰	۵۰/۷	۲۵/۳	جمع

جدول فوق وضعیت پایگاه اقتصادی-اجتماعی جمعیت نمونه به تفکیک مهاجران و ساکنان بومی شهر را شرح می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، افرادی که برای ادامه زندگی به شهر سمنان مهاجرت کرده‌اند در مجموع از پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین‌تری نسبت به ساکنان بومی شهر برخوردارند. با عنایت به اینکه اکثر مهاجرانی که سمنان را برای زندگی انتخاب کرده‌اند، از کارگران شهرک صنعتی و شاغلان در ادارات و نهادهای دولتی و نظامی شهر هستند این تحلیل نزدیک به واقعیت جاری در این منطقه می‌باشد.

جدول دوبعدی سرمایه اجتماعی شهروندان براساس مهاجرت

سرمایه اجتماعی				
جمع	مهاجرت			
	پایین	متوسط	بالا	
۱۰۰/۰	۱۱/۸	۷۰/۶	۱۷/۶	مهاجران
۱۰۰/۰	۴/۹	۴۸/۸	۴۶/۳	بومیان
۱۰۰/۰	۸/۰	۵۸/۷	۳۳/۳	جمع

در جدول فوق میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان به تفکیک ساکنان بومی و غیربومی شهر سمنان ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، به‌طور کلی سرمایه اجتماعی ساکنان بومی از مهاجران بیشتر است. به‌طوری‌که ۶۷/۳ درصد از ساکنان بومی از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند و در مقابل ۱۷/۶ درصد از مهاجران سرمایه اجتماعی بالایی داشته‌اند. از سوی دیگر ۸۲/۴ درصد از مهاجران سرمایه اجتماعی متوسط و پایینی دارند و تنها ۵۳/۷ درصد از ساکنان بومی از سرمایه اجتماعی متوسط و پایین برخوردارند. در ادامه نتایج به‌دست‌آمده از این مقایسه را در آزمون کای اسکوتر بررسی می‌کنیم:

براساس این آزمون، چنانچه مقدار Sig. کای اسکوتر کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر را رد و در غیر این صورت آن را می‌پذیریم. به عبارت دیگر رد فرض H₀ به این معناست که فراوانی‌ها اختلاف معناداری باهم دارند. در این آزمون که بین متغیر سرمایه اجتماعی و متغیر مهاجرت انجام شد، مقدار کای اسکوتر (۱۴/۳۹۹) با اطمینان ۰/۹۵ و در سطح خطای (Sig.) کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار است. بنابراین بین دو متغیر مهاجرت و سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد. از این رو فرض H₀ رد و فرض H₁ مورد قبول قرار می‌گیرد.

در ادامه برای سنجش شدت همبستگی دو متغیر سرمایه اجتماعی و مهاجرت به جدول سوم از آزمون کای اسکوتر دقت می‌کنیم و نتیجه به‌دست‌آمده از «ضریب کرامر» را شرح می‌دهیم:

جدول شدت رابطه بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و مهاجرت

سطح معناداری ارزش

۰/۰۰۱	۰/۳۱۰	ضریب کرامر
-------	-------	------------

از آنجاکه شدت همبستگی به‌دست‌آمده برابر با ۰/۳۱۰ و در سطح کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار است. بنابراین می‌توان گفت که میزان رابطه بین مهاجرت و سرمایه اجتماعی در سطح بسیار قوی قرار دارد.

حال که به رابطه معناداری و قوی بین دو متغیر مهاجرت و سرمایه اجتماعی پی بردیم، در ادامه به دنبال محاسبه درجه و میزان ارتباط خطی بین سال‌های اقامت در شهر و سرمایه اجتماعی خواهیم بود و از همین رو از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده خواهیم کرد.

جدول محاسبه درجه و میزان رابطه سال‌های اقامت پاسخگویان و سرمایه اجتماعی

		سال اقامت	سرمایه اجتماعی
سال اقامت	ضریب پیرسون	۱	۰/۳۷۲ (***)
	سطح معناداری		۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	ضریب پیرسون	۰/۳۷۲ (***)	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، می‌توان گفت که با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ بین سال‌های اقامت پاسخگویان در شهر و سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد. از طرفی مقدار این رابطه برابر با ۰/۳۷۲ است، به صورت مستقیم (مثبت) و در حد قوی می‌باشد. به عبارت دیگر هر چه شهروندان سال‌های اقامت بیشتری را در شهر محل سکونتشان (سمنان) سکنی گزیده‌اند، سرمایه اجتماعی بیشتری را به دست آورده و از آن برخوردارند.

بحث و نتیجه گیری

مهاجرت در تاریخ بشریت از آنجایی آغاز گردید که انسان‌ها برای تأمین نیازهای ضروری خود از منطقه‌ای به منطقه دیگر نقل مکان کردند. دانشمندان و در ادامه جامعه‌شناسان جوامع مختلف با توجه به اهمیت این پدیده در طول سال‌ها به بررسی عوامل شکل‌گیری و روند تأثیرگذاری آن بر زندگی اجتماعی پرداخته‌اند. بدون تردید حضور مهاجران در مناطق و شهرهای مهاجرپذیر نتایج و عواقب بسیاری برای جامعه میزبان به دنبال خواهد داشت. از طرفی می‌توان گفت مهاجران با حضور خود در منطقه و تأمین نیروی کار موجب پیشرفت و توسعه شهر می‌شوند و از طرف دیگر نمی‌توان آثار مخرب فرهنگی و اجتماعی آن را نادیده گرفت. تقابل و تداخل فرهنگ‌ها، گسترش حاشیه‌نشینی، کاهش روابط اجتماعی و... برخی از این موارد است. بر همین اساس بررسی و تحلیل تأثیر حضور مهاجران در شهرهای مهاجرپذیر همواره یکی از دغدغه‌های مهم محققان و پژوهشگران بوده است. همان‌طور که قبلاً نیز به آن اشاره شد، شهر سمنان به جهت دارا بودن شهرک بزرگ صنعتی، دانشگاه‌های موفق آزاد و دولتی و غیرانتفاعی، نزدیکی به پایتخت و شرایط مطلوب اجتماعی و اقتصادی در دو دهه اخیر به یکی از شهرهای مهاجرپذیر کشور تبدیل شده است. یکی از ویژگی‌های بارز زندگی در این شهر، روابط محدود اجتماعی است. به‌طوری‌که اهالی ساکن در سمنان به‌ویژه مهاجران انزوای اجتماعی مشهود در این شهر را یکی از نقاط قوت و مثبت زندگی در سمنان می‌دانند و از آن به‌عنوان عدم دخالت شهروندان در امور یکدیگر نام می‌برند. سرمایه اجتماعی ضعیف موجود در شهر که تحقیقات پیشین و مستندات آماری (قبلاً ارائه شد) نیز آن را تأیید می‌کند، نمی‌تواند بدون ارتباط با حضور انبوه مهاجران باشد. نتایج این پروژه تحقیقاتی نیز مؤید همین موضوع است. به‌طوری‌که ارتباط معنی‌دار، مستقیم و قوی بین متغیر مهاجرت و سرمایه اجتماعی ضمن تأیید در آزمون‌های آماری، در مصاحبه‌های عمیق و کیفی انجام‌شده در مراحل ابتدایی کار توسط محقق نیز تأیید گردیده است. از طرف دیگر سال‌های اقامت و حضور افراد در این شهر با میزان سرمایه اجتماعی آنان نیز رابطه

مستقیم و قوی داشته است. به طوری که هر چه تعداد سال‌های اقامت شهروندان در سمنان بیشتر می‌شود، سرمایه اجتماعی افراد نیز بیشتر خواهد شد. بنابر یافته‌های این تحقیق فرضیه‌های سه‌گانه پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. در فرضیه نخست؛ که رابطه بین مهاجر و سرمایه اجتماعی جمعیت مورد مطالعه مدنظر بود، رابطه بین این دو متغیر تأیید گردید. بدین صورت که ساکنان بومی شهر از میزان سرمایه اجتماعی بالاتری نسبت به مهاجران برخوردار بودند. در فرضیه دوم تحقیق رابطه بین سال‌های اقامت مهاجران در شهر و میزان سرمایه اجتماعی آنان مورد محاسبه قرار گرفت که این فرض نیز با جهت مستقیمی و شدت قوی مورد تأیید قرار گرفت. در فرضیه سوم که بین دو متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان و سرمایه اجتماعی آنان تنظیم شده است، نیز این ارتباط تأیید شد. بدین گونه که افراد پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا از سرمایه اجتماعی بیشتری نسبت به سایر پایگاه‌ها برخوردارند.

پیشنادهایی برای افزایش سرمایه اجتماعی شهروندان

همان‌طور که قبلاً نیز به آن اشاره شد سرمایه اجتماعی پاسخی به این پرسش بنیادین علوم اجتماعی است که «از چه روی آدمیان گرد هم می‌آیند و علی‌رغم منافع متضاد، در سطحی وسیع‌تر منافع مشترک پیدا می‌کنند و انواع گروه‌بندی جمعی را شکل می‌دهند و برای حفظ آن به جان می‌کوشند؟». در این زمینه نیز آدگر^۹ (۲۰۰۳) معتقد است که نظریات و تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی شرحی است برای اینکه افراد چگونه از ارتباط با دیگران در جامعه سود می‌برند. پس سرمایه اجتماعی ماهیت روابط اجتماعی و پیامدهای حاصل از آن را در جامعه شرح می‌دهد. به بیان دیگر سرمایه اجتماعی دوستی‌های محلی، دلبستگی افراد به اجتماع و مشارکت در فعالیت‌های محلی را افزایش می‌دهد و کنترل اجتماعی غیررسمی به وجود می‌آورد و کنترل اجتماعی و پیوندهای اجتماعی، از عناصر کلیدی سرمایه اجتماعی هستند و همچنین از عناصر ذاتی تئوری محدودیت اجتماعی‌اند. مردم به وسیله پیوندشان با جامعه

کنترل می شوند. لذا می توان با برنامه ریزی در راستای تقویت پیوند شهروندان با یکدیگر و اجتماع به ویژه برای مهاجران، سرمایه اجتماعی و شبکه روابط اجتماعی آنان را تقویت کرد. فعالیت نهادهای مردمی، تشکل ها، پایگاه های بسیج، کانون های فرهنگی، مساجد و نهادهای عمومی و مردمی در محلات شهری در راستای تقویت روابط اجتماعی ساکنان محل و شهر، تأثیر بسزایی بر تقویت پیوند اجتماعی و در نهایت سرمایه اجتماعی افراد دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۹). روش های کاربردی تحقیق. تهران: انتشارات تهران، چاپ دوم.
۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۲). نظریه های جامعه شناسی. تهران: نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
۳. اکبری، ابوالقاسم (۱۳۹۰). آسیب شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات رشد و توسعه، چاپ اول.
۴. بخارایی، احمد (۱۳۹۳). جامعه شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: نشر جامعه شناسان، چاپ سوم.
۵. بابایی، یحیی (۱۳۷۷). رگرسیون چندمتغیره در نرم افزار آماری SPSS. تهران: موسسه نشر جهاد، چاپ اول.
۶. پاتنام، روبرت (۱۳۸۴). جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه.
۷. جورج ریترز، داگلاس جی، گودمن (۱۳۹۳). نظریه های جامعه شناسی مدرن. ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، تهران: نشر جامعه شناسان، چاپ دوم.
۸. دواس، دی.ای (۱۳۹۳). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی، چاپ شانزدهم.
۹. رایبینگتن، ارل (۱۳۸۲). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی ایران. ترجمه رحمت الله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. سوادیان، پروین (۱۳۹۱). شکاف نسلی میان دختران و مادران در انتظار نقش از دختران. تهران: رساله دکتری، دانشگاه تهران.
۱۱. ساروخانی، باقر (۱۳۷۲). روش های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ هفتم.
۱۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). مبانی جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.

۱۳. محسنی، علی (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گزینی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی. تهران: فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال پنجم، شماره اول.



Impact of Socio-Economic Base and Immigrant Entry on Social Capital of Citizens

Seyyed Mohammad Shah Cheragh^۱, Parvin Savadian^{*}

Received: 2018/04/09

Accepted: 2018/06/08

Abstract

The purpose of this study is to investigate the relationship between migration and social capital of Semnan citizens and reviewing the related theoretical approaches. The aim of this study is to investigate the impact of migrants' entry on social capital. In addition, this process has been calculated based on the years of residence of citizens. Regarding the previous researches and controversies about the impact of immigrants on the migratory regions, this variable has been selected as a variable affecting the movement process of the community and determining the social indicators of the communities. The method of this research is survey and the statistical population of the citizens is urban planners. 150 of them were selected by multi-stage cluster sampling to complete the questionnaires. The results obtained by using different parametric and nonparametric tests indicate a direct relationship between immigration and social capital. It was also determined that the years of residence of citizens have a direct and strong relationship with the variable of social capital, and the more people in the host city will have a higher social capital. Finally, there are suggestions for increasing the social capital of citizens, especially immigrants

Key words: Immigration, social capital, socio-economic base, semnan.

^۱ Master of Science (MSc) in Sociology

^{*}- Ph.D of Sociology from Tehran University of Science and Research